

تجدید نظر در سیاست‌ها الزامی است

نگران ایران هستیم

جلوی حمله نظامی را باید گرفت این بدترین احتمال است

در آستانه سال ۸۵، جبهه مشارکت پیرامون شرایط بحرانی کشور یک جمع بندی سیاسی منتشر کرد. عمده ترین بخش این جمع بندی مربوط به بحران ناشی از سیاست اتمی حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی است، اما به زیربنای این سیاست نیز بدرستی پرداخته شده و خواهان تغییر واقع بینانه آن در چارچوب مصالح ملی کشور شده است. این بیانیه تحلیلی، که ما بخش مقدمه آن را کوتاه کرده ایم، شاید یکی از دقیق ترین بیانیه های سیاسی جبهه مشارکت باشد که از حاشیه پردازی های خسته کننده در آن پرهیز شده است. در این بیانیه آمده است:

مسئولین و تصمیم گیرندگان فعلی مسئول حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور بوده و به هیچ وجه نباید به خود اجازه دهند با اتخاذ سیاست‌هایی که اشتباه بودن آنها بارها و بارها تجربه شده است منافع ملت ایران را قربانی محاسبات اشتباه خود کنند.

ما لازم می دانیم متذکر شویم راه مقابله با سیاست های سلطه جویانه موجود در جهان نه راهکار نظامی است و نه اتخاذ روش‌های خصمانه‌ای که همه جهان را علیه ایران متحد می کند بلکه تنها راه احقاق حق ملی ایرانیان در پیش گرفتن راهی است که جامعه ایرانی را جامعه ای دموکراتیک، صلح جو و آرامش طلب و عقلانی به جهان معرفی کند.

دستیابی به انرژی هسته‌ای از زمان رژیم سابق همواره یکی از علائق اصلی دولت های وقت بوده است. اما فناوری انرژی هسته ای به لحاظ کاربرد دوگانه عملاً باعث نگرانی های جهانی شده و بخصوص در شرایط فعلی نظام بین‌الملل این مسأله به یکی از نگرانی های اصلی در سطح بین‌المللی تبدیل شده است.

دستیابی به این فناوری جز با پرهیز از تقابل و انتخاب مسیر تعامل با جهان میسر نیست. دولت اصلاحات با درک ضرورت دستیابی به این فناوری و نیز با شناخت درست از روابط بین‌الملل و بخصوص تبلیغات سوء علیه جمهوری اسلامی بر آن شد تا با شفاف سازی این فعالیت ها از یکسو و نشان دادن تعهد بین‌المللی کشور به صلح و امنیت جهانی از سوی دیگر در مسیری حرکت کند که هم امکان دستیابی به این فناوری در دراز مدت از دست نرود و هم همه جهانیان با به رسمیت شناختن این حق همکاری های اقتصادی - سیاسی خود را با ایران گسترده و گسترده تر کنند.

همه صاحب نظران می دانند که ظرفیت‌های ملی کشور برای تولید انرژی هسته ای به گونه‌ای است که در صورت موفقیت در این مسیر برای تأمین انرژی هسته ای در آینده‌ای نزدیک باید سوخت آن را از سایر نقاط جهان تهیه و وارد کنیم و این نکته نیز یکی از عواملی بود که مسئولان اصلی پرونده هسته ای کشور را به سوی تعامل با جهان سوق می داد.

دستاوردهای این سیاست باید به طور مفصل توسط مسئولین آن توضیح داده شود و هر چند گوشه هایی از آن بیان شده است ولی در هیاهوی تبلیغاتی داخل و خارج این دستاوردها هنوز به طور کافی برای مردم روشن نشده است.

با انتخابات ریاست جمهوری نهم و تغییرات گسترده در سیاست‌ها و مسئولین جمهوری اسلامی تردید جدی در طرف های اروپایی مذاکره کننده با ایران ایجاد شد و وقتی این

تردیدها به باور تبدیل شد که مقامات ارشد کشور تهاجم و پرخاش را در سیاست خارجی سرلوحه کار خود قرار دادند و مواضعی اتخاذ کردند که تنها به ایجاد اجماع علیه ایران کمک کرد.

این سیاست خارجی در کنار سیاست داخلی که حذف فکری و فیزیکی اصلاح طلبی و جریان تعامل مثبت و سازنده با دنیای خارج را به دنبال داشت طرفین مسأله را به موضعی کشاند که عملاً هر گونه مذاکره برای حل موضوع را منتفی ساخت و بدیهی است در این صورت **عمده ترین توفیق دولت اصلاحات که ناکامی آمریکا در ایجاد اجماع جهانی علیه ایران بود به سرعت از دست رفت و برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی دولت آمریکا موفق شد رسماً و علناً اجماع جهانی علیه ایران را سازمان دهد و به آرزوی دیرینه خود یعنی تقابل همه جهان با جمهوری اسلامی ایران برسد.**

خلاصه آنکه نتیجه سیاست های حاکمیت یکدست فعلی ایجاد اجماع جهانی علیه ایران شد و در حقیقت کشور را سالها از امکان بهره گیری از فرصت های جهانی برای پیشرفت دور کرد و در عوض بحران فراگیری را فراروی ملت قرار داد که اینک دوباره باید برای استقلال و تمامیت ارضی وارد میدان شود و برای رهایی از تحریم هایی که دود آن مستقیماً به چشم ملت خواهد رفت کمر بربندد.

جای تعجب است که مسوولین مربوطه رسماً اعلام می کنند ما از تحریم و جنگ هراسی نداریم در صورتی که این مسوولین امانتدار مردم هستند و باید سرنوشت کشور را که امانتی است در دست آنها به سمت آرامش و صلح و پیشرفت ببرند نه آنکه کشور را که در امنیت و آرامش و جایگاه مورد احترام و مقبول بین المللی تحویل گرفته اند در مدتی کوتاه به سمت چنین بحرانی ببرند و آن را افتخار جلوه دهند. این نتیجه کجا و شعارهای انتخاباتی رفاه و آبادانی و آوردن نفت بر سر سفره های مردم کجا.

و اینک ما در مرحله ای قرار گرفته ایم که کمترین ضرر آن انزوای ایران خواهد بود و اگر این سیاست های خصمانه در دو طرف ادامه یابد آنگاه باید شاهد تشدید فقر، اوج گیری ناهنجاری های اجتماعی، فرار مغزها و سرمایه ها، توقف رشد علمی و صنعتی کشور و... باشیم و از همه این ها گذشته به طور جدی باید نگران **تمامیت ارضی کشور** بود که به نظر می رسد به عنوان ابزاری غیرقابل چشم پوشی مورد سوء استفاده قدرت های خارجی قرار خواهد گرفت. این دورنماست که هر ایرانی دلسوزی را به فکر و امید دارد تا برای منافع ملی و امنیت کشور خود **چاره اندیشی** کند.

نگرانی از سرنوشت کشور و ملت ما را بر آن می دارد تا مسوولین کشور خود را بخوانیم تا بیش از آنکه به آرمان گرایی های غیرقابل تحقق خود بیندیشند به فکر چاره برای رفع آلام مردم باشند و همان گونه که خود وعده داده اند **لقمه نانی** به سفره مردم اضافه کنند و کاری نکنند که **یک تقابل** و درگیری ناخواسته و غیرقابل پیش بینی را بر کشور تحمیل کنند.

ندای ما ندای صلح و امنیت است که نیاز اولیه همه جوامع بشری برای رشد و پیشرفت است. ما نگران ایران هستیم که در تقابل سیاست های نادرست داخلی و سیاست های زورگویانه خارجی آماج تپاول گردد.

ما نگران دستاوردهای جمهوری اسلامی و مردمی ترین انقلاب قرن هستیم که در آتش کوره انتقام قدرت های بزرگ و محاسبات اشتباه مسوولین خود ما به باد فنا برود. از این روست که به خود حق می دهیم در حساس ترین فراز تاریخ ایران آنچه را که صلاح می دانیم بیان داریم بدین امید که عقل و تدبیر و درایت بر خودبینی و تعصب غلبه کند و مردم و مسوولین کشور بتوانند با تدبیر، وحدت و همدلی این بحران را به سلامت پشت سر بگذارند.

بدیهی است که موقعیت امروز ما **چندین گام عقب تر** از سال قبل است و به همین دلیل امروز زمان صحبت از اعتمادسازی که لازمه بهره گیری از فناوری هسته ای است گذشته است. اقدام اول و ضروری باید **خارج کردن کشور از بحران و آرام سازی** اوضاع باشد.

در فضای پرتنش کنونی و تبلیغات گوش خراش، صدای منطق و عقل شنیده نمی شود و به همین جهت در اینجا تنها شرایط عبور از بحران را برمی شمیریم و طبیعی است که دو مرحله بعدی یعنی اعتماد سازی و بهره گیری از فرصت های جهانی از جمله استفاده از فنآوری هسته ای به شرطی قابل بحث هستند که کشور از این بحران فراگیر خارج شود.

هدف ما در عبور از بحران، جلوگیری از تحریم و انزوا و اجماع جهانی علیه ایران و در بدترین حالت پیشگیری از اقدامات نظامی است هر چند این گزینه بسیار غیر محتمل به نظر می رسد.

در حقیقت در عبور از بحران باید تهدید هایی که متوجه منافع ملی کشور است برطرف شود. تهدیدهایی که به یکسان همه مردم و از جمله همه گروه های سیاسی و نهادهای مختلف حاکمیت را با بحران روبه رو خواهد کرد.

۱) برای خروج از بحران باید بپذیریم که قدرت های مسلط خارجی حتماً باید بهانه ای برای اجماع سازی علیه ایران داشته باشند. بدون تردید مسئولین ما این بهانه را به دست آنها داده اند و در اینجا نمی توان دشمن را ملامت کرد که چرا از این بهانه ها حداکثر استفاده را می کند، طبیعی است که دشمن در صدد استفاده از فرصت ها است. باید چنین بهانه ها و فرصت هایی را برای او فراهم نکرد.

متأسفانه اظهارات رئیس جمهور، سیاست خارجی دگرگون شده کشور، حاکمیت ادبیات خصمانه و تقابل جویانه با دنیا در همه رسانه های وابسته به حاکمیت، به کارگیری نیروهایی که به تدریج در سیاست **خارجی و داخلی** شناخته شده اند همه و همه به این بهانه جویی ها دامن زده است.

در اولین قدم پیشنهاد می کنیم رسماً و علناً سیاست تنش زدایی و صلح طلبی کشور اعلام و مورد تأکید قرار گیرد و به جای ادبیات دشمن تراش و خصومت زای فعلی از ادبیات مناسب استفاده گردد و به طور جدی گفتار و رفتار مسئولین کشور کنترل شود.

۲) در صورت تداوم روند فعلی بزودی شاهد آن خواهیم بود که توقف دائمی فعالیت های هسته ای حتی در مقیاس بسیار کوچک تحقیقات به صورت اراده حقوقی و قانونی بین المللی بر کشور تحمیل خواهد شد و در این صورت **حق مسلم ملی** ما که حتی توسط دولت آمریکا هم به رسمیت شناخته شده بود به خاطر سیاست های اشتباه برای همیشه از دست خواهد رفت. این دستاوردی نیست که **حاکمیت یکدست** بتواند به آن افتخار کند.

مقاومت در برابر تصمیم شورای امنیت سازمان ملل متحد بتدریج ما را در موقعیتی منزوی تر و سخت تر قرار خواهد داد و هر روز که بگذرد بازگشت از اشتباه خسرانی بیشتر و زیان هایی غیرقابل جبران بر جای خواهد گذاشت. به همین لحاظ پیشنهاد می کنیم برای شکستن اجماع بین المللی و تا زمان خروج از بحران و آغاز دوباره روند اعتمادسازی، با بازگشت به سیاست های قبلی به صورت داوطلبانه کلیه فعالیت های مربوط به **چرخه سوخت** هسته ای کشور به حالت تعلیق درآید.

۳) اینک مسأله هسته ای با سرنوشت آحاد ملت ایران ارتباط پیدا کرده است. بنابراین **ضروری است مردم بخوبی از ابعاد مختلف این دانش آگاه شوند و منافع و عواقب آن را به درستی درک کنند.** مشارکت دادن همه جریان های فعال ملی و کارشناسان زبده فنی و اقتصادی با دیدگاه های مختلف در روند تصمیم گیری ها، کمک شایانی به حفظ وحدت ملی خواهد کرد. و ضمن اینکه امکان انحراف از منافع ملی را به حداقل خواهد رساند به درستی اراده ملی را چنان سمت و سو خواهد داد که مقاومت در برابر آن برای قدرت های خارجی بسیار مشکل خواهد بود.

بسیار بجاست در شرایط فعلی **مسئولین تصمیم گیری** مسأله هسته ای در کشور به صورت شفاف و روشن همه پیامدهای مثبت و منفی سیاست های خود را برای مردم تشریح کنند و به

صورت کاملاً واضح بیان کنند چه سرنوشتی را از تداوم این سیاست ها پیش بینی می کنند و مسئولیت کلیه عواقب اقدامات خود را بپذیرند.

۴) تجربه ما به خوبی ثابت می کند اگر بر سیاست های اشتباه جاری اصرار ورزیده شود یا کشور به سوی تقابل تمام عیار با بخش عمده ای از جهان پیش خواهد رفت یا به ناگهان و در بدترین شرایط تسلیم همه خواسته های طرف مقابل خواهیم شد و یا بتدریج با بروز مشکلات روزافزون گام به گام از مواضع قبلی عدول خواهد شد که این هر سه حالت به زیان کشور و بر علیه منافع ملی است.

بعلاوه در صورت ادامه این روند، پرونده هسته ای تنها مشکل بین المللی کشور نخواهد بود بلکه به تدریج حلقه های فشار از این سو و آن سو محدودیت های بیشتر و بیشتری را متوجه کشور خواهد کرد و مشکل از مسأله تک بعدی هسته ای به صورت **معمای چند بعدی** بسیار پیچیده ای تبدیل خواهد شد که حل آن بسیار مشکل تر یا غیرممکن به نظر می رسد، در حالی که اگر هم اکنون بتوانیم پرونده هسته ای خود را از روند سیاسی کنونی در شورای امنیت به روند فنی در آژانس بین المللی انرژی اتمی بازگردانیم مطمئناً خواهیم توانست مسائل فیمابین کشور و جهان را در روندی منطقی در مدتی طولانی تر حل و فصل نمائیم.

۵) **گفت و گو با همه کشورهای صاحب نفوذ در شورای امنیت و به خصوص آمریکا به عنوان بخشی از روند حل و فصل موضوع، امکانی است که نباید از آن چشم پوشید، ولی اگر آن طور که شنیده می شود سیاست مسئولین فعلی مذاکره با دولت آمریکا آن هم نه فقط در موضوع عراق بلکه در مورد سایر مسائل و از جمله مسأله هسته ای است این مذاکرات باید شفاف و با اطلاع کافی ملت صورت گیرد.**

۶) خروج از بحران و نجات کشور نیازمند همدلی ملت و دولت است. همدلی نیز بدون همفکری در روند تصمیم سازی و تصمیم گیری میسر نیست. اگر مسئولین اراده ای برای خروج از بحران دارند باید با رفتار دموکراتیک خود در داخل این اراده را عملاً نشان دهند و رفتار خود را با جامعه ایران مورد بازبینی قرار دهند. بی تردید هر ایرانی آماده است برای نجات کشور خود در شرایط خطیری که برای سرنوشت کشور پیش آمده دلخوری ها و گلایه های موجود را به کنار بگذارد و در کنار مسئولین خود، مسئولیت و هزینه اصلاح سیاست های اشتباه دولت خود را بپردازد.

آنچه برای ما مهم است حفظ جمهوری اسلامی ایران، تمامیت ارضی کشور و سعادت و رفاه ملت است و در این راه از هیچ فداکاری و کوششی فروگذار نخواهیم کرد.

۷) در فضای پرهیاهویی که از هر سو ناقوس خصومت و تقابل و درگیری به صدا درمی آید باید ندای صلح و زندگی سر داد. ما برای **صلح** به عنوان یک هدیه الهی برای همه انسان ها فارغ از اعتقاد و نژاد آنها ارزش اولی قائل هستیم و وقتی ارزش صلح بیشتر مشخص می شود که حاصل سیاست های جنگ طلبانه را در همه جای دنیا مشاهده کنیم.

نیاز همیشه ما و به خصوص در سال جدید صلح است. از همین جا از همه صلح طلبان جهان می خواهیم برای خاموش کردن آتش جنگ و ترور، به ائتلاف برای صلح بیندیشند و تلاش کنند تا ندای صلح طلبی خود را فراتر از صدای رهبران خودخواه و جنگ طلب دنیا به گوش جهانیان برسانند.

از خداوند رحمان و رحیم می خواهیم ملت ما را در پناه خود از شر **خودخواهی ها، جهالت ها و زورگویی ها** مصون دارد و به آنها که تصمیم گیرنده سرنوشت ملت های خود و جهان هستند انصاف و تدبیر و عقل عنایت کند.